

از لابلای یادداشت ها و نیشته های روزمره ام

## افغانستان بر سردوراهی: تحرکات مسلحانه یا "انتقال جهاد به پاکستان" نگرانی های اسلام آباد از موجودیت "طالب" های پاکستانی در دو طرف "دیورند" چگونگی بیان حقیقت و در سمت درست تاریخ قرار گرفتن

فرهنگ ستیزی در جهان کنونی پسندیده نمی باشد  
"رضایت اخلاقی" یا "پوشش واقعیت" ها؟  
کاپی برداری از دیگران یا مبتکر بودن؟  
معامله پنهانی و پیچیده

قبل از همه، شایان تذکر پنداشته می شود که پرسشی باین شرح مطرح گردد که تصمیمگیری درست چیست و چگونه ما را بموفقیت میرساند. تصمیم گرفتن یعنی ما چند انتخاب داشته باشیم و بخواهیم بین آن انتخابها یکی را برگزینیم. پس باید مهارت تصمیمگیری را بخوبی بلد باشیم تا بتوانیم تصمیم هایی که میگیریم، بهترین ها را رقم بزنیم. مشکل اصلی که سبب میگردد تا تصمیم گرفتن را بخوبی یاد نگیریم، اینست که نمیتوانیم بین خوب و خوب تر و یا حتی بد و بدتر انتخاب مان را انجام دهیم و همین موضوع سبب میگردد که در نهایت امر، تصمیمهای خوبی را انتخاب نماییم. بمنظور شناخت راهای تصمیمگیری بسیار گفته شده است. تصمیم گرفتن مانند هر مهارت دیگری، نیازی به طی مراحل دارد. بگونه نمونه باید بمنظور مقابله با شرایط رکود اقتصادی کشور، تصمیماتی اتخاذ گردد. نخستین راهی که بمنظور افزایش مهارت تصمیمگیری مطرح می گردد، اینست که هنگام تصمیم گرفتن بعواقب پس از آن باید توجه معطوف گردد. این راه مهمترین گام بمنظور یاد گرفتن مهارت تصمیم گرفتن خوب باشد. فکر کردن بعواقب تصمیم اتخاذ شده می تواند بمقدار قابل توجهی در تصمیمگیری ها کمک نموده و در زمینه مدد رساند.

همه بخوبی بخاطر دارند که در اوایل سال روان ترسایی، خواجه آصف وزیر دفاع پاکستان بگونه سرزده و ناگهانی وارد کابل شده و با رهبران "طالب" ها مذاکرات و ملاقات هایی را انجام داد. دلیل رسمی چنین دیداری، بررسی علل و عوامل بستن گذرگاه تورخم از جانب کابل بخورد دیگران داده شد. اما تصور غالب در اسلام آباد چنین عنوان گردید که مسدود بودن گذرگاه یادشده، مانع امر تجارت میان افغانستان و پاکستان شده و مواعی را در امر انتقال اموال تجاری پاکستان به آسیای مرکزی و بالمقابل ایجاد نموده و اسباب مسدود شدن شریان تجاری و ایجاد مواعی در مسیر انتقالی مهم می گردد. اما اگر موضوع مورد بحث، فقط همین می بود، بایست مسأله یادشده میان مسؤلان بخش های دیگر طرفین مورد بحث و مذاقه قرارداد می شد و نه با وزیر دفاع پاکستان. همچنان آصف در جریان مذاکرات، معضلات موجود امنیتی را نیز مورد بحث قرارداد و از مقامات کابل بگونه جدی تقاضا بعمل آورد تا بدون "اما" و "اگر" هایی علیه "طالب" های پاکستانی و آنچه از تروریست هایی که با استفاده از سرزمین و اراضی افغانستان، امنیت پاکستان را مورد تهدید جدی قرار می دهند، با اقدامات قاطع و سازنده ای متوسل گردند. جانب پاکستانی ها همچنان یادآوری بعمل آوردند تا بیشتر از این، به پشتیبانی و حمایت جانب کابل از گروه های مخالف اسلام آباد نقطه پایان گذاشته شود. اما نباید فراموش خاطر ما شود که گرفتن تصمیم، اراده می خواهد و اجرای تصمیم هم قدرت، بدون این دو بال، پرواز غیر ممکن می باشد. اما این واقعیت بوضاحت مشاهده می گردد پاکستان که ظاهرین بر توانا بی های خود متکی نبود، به تلاشهایی بمنظور بین المللی ساختن این مشکل متوسل گردید، چه، بهاول بوتو زرداری وزیر امور خارجه پاکستان در کنفرانس امنیتی مونشن اظهار نمود کاگر جامعه بین المللی به نحوه عملکردهای

آنچه از تروریستانی که با استفاده از قلمرو اراضی افغانستان، اقداماتی را علیه منافع پاکستان انجام می دهند، کم بها داده و علیه آنها با اقدامات جدی متوسل نگردند، نا امنی نه تنها بکشورهای همجوار افغانستان گسترش خواهد یافت، بلکه بی ثباتی و عدم امنیت دامن غرب را نیز فرا خواهد گرفت.

عمده ترین معضل در این امر نهفته می باشد که از بهار - تابستان سال ۱۴۰۱، پدیده های جدید سیاسی در حال شکل گرفتن می باشد که به پویایی فرایندهای نظامی - سیاسی در کشور عزیزما و در کل منطقه بمفهوم وسیع آن تحرک بیشتری خواهد بخشید.

نخست: احیای "طالب" های پاکستانی و "تحریک طالب های پاکستان" که بگونه سنتی در برخی از ولایت های جنوبی و شرقی کشور و بویژه در دوطرف "خط دیورند" اخذ موقعیت نموده اند. بخاطر باید داشت که برخی از شبه نظامیان و فرماندهان "طالب" های افغان، حمایت های همه جانبه شان را از "تحریک طالب های پاکستان" پنهان نمی نمایند. آنها پس از سال هایی سال، در مورد ضرورت انتقال "جهاد" از افغانستان به پاکستان و ضرورت و اهمیت اشغال قدرت در کشور پاکستان سخن گفته اند. اما اسلام آباد اظهار نمود که آماده است تا به نبرد و جنگ علیه نیروهای جهادی مبادرت ورزد.

بر بنیاد آخرین گزارش های وزارت امور داخله پاکستان، در امتداد زمانی پسین بتعداد ۵ هزار از جنگجویان "تحریک طالب های پاکستان" در سرزمین های متعلق با افغانستان پناه گرفته اند. اما ناظران امور چنین می پندارند که اسلام آباد در اوضاع و احوال کنونی، بیشتر نگران معضل تشکیل و پایه گذاری دولت فرآگیر در کابل می باشد که ممکن در مجموع تشکیلات آن عناصر متمایل به "طالب" های پاکستانی نیز موقعیت های کلیدی را نصیب گردند. برای اسلام آباد این مهم است که نزاع در مجموع رده های پایینی "طالب" ها به مخالفت ها، ضد و نقیص گویی ها و درگیری های میان رهبران و گروه بندی های مختلفی که بگونه مستقیمی بر پاکستان نیز اثرگذار می باشد، مبدل نگردیده و سعت کسب ننماید.

اما مهمترین خصیصه موجود وضعیت کنونی باین خلاصه می گردد که جنبش "طالب" ها بر بنیاد گزینه های افغانی و پاکستانی، بگونه کلی متشکل از گروه های قومی پبنتون می باشد که به هدف ایجاد و شکل گیری "پبنتونستان بزرگ" که در برگیرنده بخشی از قلمروهای هر دو کشور نامبرده بوده و تطبیق و اجرای برنامه ژئوپولیتیکی حذف جمهوری های اسلامی افغانستان و پاکستان را در سر می پرورانند.

نباید فراموش شود که در صورت تشنج اوضاع اجتماعی - اقتصادی در افغانستان و پاکستان، "تحریک طالب های پاکستان" همراه با "طالب" های افغان می توانند جنگ و درگیری های گسترده ای را بمنظور برچیدن "خط دیورند" نیز راه اندازی نمایند.

گزینه دوم در این مورد، بن بست سیاسی بوجود آمده در نتیجه رهبری کنونی جامعه توسط "طالب" ها در کشورما، محدودیت های پتانسیل های منابع و فرصت های سیاسی امروزه کابل را عملن بر ملا نمود.

بخاطر ما باشد که امریکایی ها بمنظور تغییر وضعیت کنونی کشورما، مسأله طرح دگرگونی سیاسی در کشورما را در دستور کار خویش قرار دادند. اما ایالات متحده، قطر، پاکستان و تعدادی از کشورهای دیگر در مورد ترکیب های مطلوب برای حاکمیت "طالب" ها در حال رایزنی می باشند.

بر بنیاد گزارش هایی، تام اویست، نماینده ویژه ایالات متحده برای افغانستان، بمنظور تشکیل اداره جدید در کشور ما ملاقات و گفتگوهایی را با برخی از نماینده های اپوزیسیون افغانی، در ترکیه، قطر، ازبکستان، پاکستان، امارات متحده عربی و عربستان سعودی انجام داد.

در نهایت امر، پدیده سومی هم اینکه، جبهه مقاومت ملی بر رهبری احمد مسعود در صفحات شمال کشور با اقداماتی متوسل گردیده است.

اطلاعات و اخباری نیز موجود می باشد که پاکستان و قطر در صدد دستیابی بآنچه از افراد و اشخاصی می باشند که از اثرگذاری بر گروه های قومی در پنجشیر برخوردار می باشند تا با بکارگیری از امکانات آنها، معضلات بوجود آمده در آن ولایت کشور را حل و فصل نمایند. اما بخاطر باید داشت که اصل مبارزه میان "طالب" ها و سایر رادیکال های موجود در مناطق شمال کشور، بنحوی از انحاء اسباب نگرانی و تشویش حکومت های آسیای میانه را فراهم نموده است. بر بنیاد اظهار نظرهای عده ای از کارشناسان، "طالب" ها در واقعیت امر، قادر به تداوم اقتدارگرایی در کابل چند قومی و چند ملیتی نمی باشند، بنابراین در صدد انتقال مرکزیت کشور از کابل به کندهامی باشند.

بر بنیاد فاکت های متذکره، تحت فشارهای خارجی، اصل پیدایش تشکیلات جدید دولتی در کابل در دستور کار قرار

دارد که تکوین چنین حالتی، بیش از هر زمان دیگری پیچیدگی اوضاع سیاسی در کشور منجر خواهد گردید. بنابراین، می توان ادعا ورزید که در کشور ما وضعیتی بمتابۀ یک مسأله کلاسیک حسابی در حال شکل گیری می باشد که، بتعداد سه قطار در یک زمان بسمت های تعیین شده حرکت نموده و همچنان این مسأله نیز مشخص گردد که چه زمانی، کجا و چگونه باهم ملاقی خواهند گردید.

اما این موضوع نیز قابل یاددهانی پنداشته می شود که در کنار سایر مسایل موجود، ابرهای تهدید آمیزی فضای افغانستان و پاکستان را فرا گرفته که بر بنیاد علایم تطبیق سناریوهای جیوپولیتیکی و با اندکترین اشتباهی، به فروریزی حاکمیت ها هم در افغانستان و هم در پاکستان منجر گردد. به یقین کامل که نبود امنیت و عدم ثبات در کشور ما افغانستان و هم در پاکستان، بگونه مستقیمی منافع حیاتی روسیه، چین، هند و ایران را که بمتابۀ دشمنان ایالات متحده پنداشته می شوند، متأثر خواهد نمود.

در شرایط و وضعیت حاضر، دلایل بیشماری بمنظور اثبات این باور عملن وجود دارد که بیشتر از این، اصل پوتانسیل نفوذ و اثربخشی بر بحران موجود در کشور ما به پایان رسیده است، چه، کنفرانس ها و گردهمایی های گوناگون و رنگارنگ منطقوی، بویژه در امتداد زمان پسین در مورد حل و فصل قضایای کشور عزیز ما تدویر گردیده اما با دریغ که در مورد قضایای کشور ما بگونه کلی موفق باتخاذ تصمیم های جدی و ایجاد همکاری های مؤثر نگردیدند. همچنان در مورد تشکیل فورمات پنج جانبه نیز توافقاتی حاصل گردید که در آن، نماینده های هند، پاکستان، ایران، چین و روسیه شرکت خواهند ورزید.

اما در وضعیت حاضر و شرایط کنونی، در داخل محدوده کشور عزیز ما، بحران اقتصادی اجتماعی و بحران بشری بگونه سریعی در شرف شکل گیری بوده که بنحوی از انحاء، کار و فعالیت های هیأت حاکمه در کشور را عملن فلج نموده است.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که در بخش سیاست خارجی، "طالب"ها، بویژه در عرصه منطقوی و بین المللی تا کنون هم بمتابۀ حاکمیت قانونی کشور برسمیت شناخته نشده اند. در نتیجه، بر بنیاد اظهارات و ادعاهای مطرح شده در وسایل اطلاعات جمعی داخلی "درکابل، شرایط و وضعیت بگونه ایست که در اجتماع افغانی سخنانی در مورد شکل گیری کودتا و درگیری های مسلحانه میان گروهی "طالب"ها نیز سرزبان ها می باشد."

شایعاتی در مورد شکل گیری اقدامات مسلحانه از قبل موجود بوده و بر بنیاد اظهارات دست اندرکاران مسایل کشور ما، ایالات متحده بدش نمی آید تا "طالب"های میانه رو با اقدامات مسلحانه ای بمنظور سرنگونی حاکمیت گروهی بنیادگرا متوسل گردند.

در وضعیت حاضر، کارمندان سفارت عربستان سعودی، کابل را ترک نموده و به دیپلومات های پاکستانی و چینیایی نیز هدایت داده شده تا هرچه زودتر، سرزمین و اراضی افغانستان را ترک نمایند. اما بنا بر اظهارات مقامات روسیه سفارت آنکشور مانند قبل، به کارش در کابل همچنان ادامه خواهد داد.

اما حرف وحدیت هایی در مورد تلاش های ایالات متحده بمنظور تشدید بی ثباتی وضعیت در کشور ما نیز مطرح می باشد. بر بنیاد اظهارات کارشناسان نظامی، ایالات متحده در صدد استفاده و بکارگیری از دسته بندی های مسلح غیر قانونی و تروریست ها بمنظور تداوم عدم ثبات در کشور ما میباشند. همچنان ادعاهایی مبنی بر تبدیل شدن افغانستان بمتابۀ کانون بی ثباتی نیز سرزبان ها می باشد. در اینمورد همچنان ادعا می گردد که بگونه کلی، دسته بندی های مسلح غیرقانونی که بویژه پس از بقدرت رسیدن مجدد "طالب"ها، به تحکم مواضع شان در اجتماع افغانی مبادرت ورزیده اند، بمتابۀ تهدید های جدی علیه امنیت و ثبات در کشور ما پنداشته می شوند.

بسیاری ها چنین معتقدند که ایالات متحده در صدد استفاده از پوتانسیل گروهی تروریستی بمنظور ایجاد و شکل گیری بی ثباتی در منطقه می باشد. بههدف دستیابی به مأمول فوق، تروریست ها بویژه از منطقه شرق میانه به کشور عزیز ما پرتاب گردیدند.

نباید فراموش نمود که کشورهای عضو ناتو بگونه مشترک، بویژه پس از فرا خواندن عجلوانه نظامیان امریکایی از اراضی کشور ما، در صدد آنند تا که بشکلی از اشکال و بنحوی از انحاء، با بکارگیری از ابزارهای گوناگونی، حضور نظامی شان را در منطقه همچنان حفظ نمایند.